

گردان نامه

خیال تو همه من است

از گردان ادبی امام سجاد (علیه السلام) - سوره طارق

از هر مثل من، تا تو که بی‌نهایتی، طریقی است برای طی شدن که اگر این طریقی نبود، دلیلی نبود برای دلالت یافتن بی سر و پا دلی که به تو دلالت یافت و با این دلالت حفظ شد!

می‌دانم از کی با من بوده‌ای اما من خلاصه‌ام در نطفه‌ای که با خیال تو طی شد! خیالت را که از من برداری افشا می‌شود که نیستم؛ و چگونه می‌توان اطلاق بودن کرد به کسی که همه قوت و نافرش برای بودن، تصوّر تو بوده است. اگر به چشم رسید این نطفه و اگر گوش و قلب یافت این ماء دافق، و اگر دست و پا پیدا کرد، همه از صورت خیال تو بود.

خیال تو آسمان من است، آنجا که قسم مؤکد است به امکان پیوسته رفتن و بازگشتن

آسانش می‌کنند...

از گردان شهدای گمنام - سوره لیل

بنا را برآسانی گذاشته اند. سعی که بکنی آسان می‌شود و درست همین‌جا، نقطه تمایز انسانهاست؛ تفاوت در وجهی که برای سعیشان اختیار می‌کنند! انسان ناگزیر از سعی است، و ناگزیر از اختیار وجه، و پس از آن ناگزیر از سرانجامش خواهد بود: شقاوت یا سعادت! راه شقاوت اما، راه دشواری است... هرچه بیشتر دراین راه سعی کنی بیشتر وجودت از حقایق عالم فاصله می‌گیرد...

ذکر را دریافت کن و تکذیب نکن!

از گردان محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) - سوره مرسلات

همه واژه های یک سوره به نوعی و به وجهی با غرض سوره در ارتباطند و در تلاشدن تا غرض سوره را به ما معرفی کنند. گاهی این ارتباط واژه ها با غرض برای ما آشکار و گاهی به تفکر و تدبیر بیشتری نیازمند است و اگر نتوانیم ارتباط یک واژه را با غرض تعیین شده بیابیم یعنی غرض را نیافته ایم. به همین دلیل به بررسی رابطه تک تک واژه های سوره مبارکه مرسلات با غرض آن می پردازیم و تلاش می کنیم تا واژه ها را با ذره بین غرض سوره نگاه کنیم.

هر یک از اعضای گردان تلاش کردند غرض سوره را بیابند. برایند تلاش اعضا برای یافتن غرض سوره به این صورت درآمد: سوره مبارکه مرسلات القای ذکر خداوند را به منظور اینکه عذر و نذری پدید بیاید، بیان می‌کند. در نتیجه این القای ذکر، انسان‌ها دو دسته می‌شوند: گروهی تکذیب کننده حق و گروهی پذیرنده آن یا همان اهل تقوا. یوم الفصل یکی از محورهای کلیدی این ذکر است و مرسلات به عنوان دست اندرکاران این القای ذکر معرفی شده‌اند.

سپس اعضای گردان به بررسی ارتباط واژه با این غرض پرداختند و واژه‌هایی که موفق به درک ارتباطش با غرض نشده را با هم به اشتراک گذاشتند. نکته جالب این جا بود هیچ واژه ای نماند که هیچ یک از اعضا نتواند توجیهی در رابطه اش بیاورد. در بین آیات سوره، آیاتی نیز بودند که درک این ارتباط بینشان سخت بود. مثل آیات ۸ تا ۱۲ و آیات ۳۰ تا ۳۳ که مورد بحث این جلسه قرار گرفتند و از همین جا داستان آغاز می‌شود...

یکی بود و همان یکی بود! خواست تا جهان را خلق کند و کرد!

از تو به تو؛ و این کثرت رفت و برگشت در خیال توست، که نطفه بی‌مقداری را آسمانی کرد!

خیال تو همه من است که همه چیز من به وقت مرگ جیفه‌ای نیست که تا اعماق زمین پایین برود و در تنهایی بپوسد. در قبر هم این خیال توست که طریقی می‌سازد از من تا به تو، که خدای تعالی فرمود: ﴿والارض ذات الصدع﴾

خیال تو که با من است بیمی از آبرو ندارم که من از خیال تو کفن بافته‌ام و به فصل روییدن در رستاخیز خیال توست که پوشیده و محفوظ برمی‌خیزم!

خیال تو زبان من است و به تعلیم خیال تو زبانم گشوده شد و قول و کلام تو بود که مسیر خیال پردازی‌هایم را چنان فراهم کرد که از خیالت نلغزم!

مرا از کمین راهزنان چه باک! که فصل خیال تو از هزل و بیهودگی، به اعجاز مهلت، زمستان را طی می‌کند و در محشر بهار، خیل بذره‌ای خیالت، اسرار را افشا خواهند کرد!

بیشتر می‌سوزی... نابود می‌شوی...

سخت است، خیلی سخت! اما بیچارگی آنجاست که آسانش می‌کنند! هر قدم که پیش بروی، قدم بعدی آسان می‌شود. هربار که مال اندوزی می‌کنی، هربار که بخل می‌ورزی، هر بار که میل خودت را به میل خدا ترجیح می‌دهی و آخرت را منکر می‌شوی هربار که ارزش خیر و شر را در نظر خودت یکسان جلوه می‌دهی و «شتی» بودن سعی‌ها را منکر می‌شوی، آسانتر می‌شود این سختی، و آتشی که به جانت افتاده بیشتر زبانه می‌کشد... و «ناراً تلظی» ای می‌شود که پاداش بیشترین سعی است... سعی در راه شقاوت!

زمین را آفرید و کوه ها را استوار و محکم در آن قرار داد. آسمان را آفرید و ستارگان را با نظمی مثال زدنی در دل آسمان نشانند. او رسولانی را فرستاد تا ذکر را به انسان ها القا کنند و دائم یاد آن ها بپندازند که زمان حضورشان در زمین محدود است.

آدم‌ها سالیان سال در زمین زندگی کردند و نظم زمین و آسمان و ستارگان را شناختند... و بودند آدم‌هایی که حواسشان به این حقیقت‌ها بود؛ حواسشان به خودشان و اعمالشان بود و حواسشان به نگاه خدا و رسول و «یوم الفصل» بود. خیلی‌ها هم این نظم برایشان عادی شد و یادشان رفت حقیقت ذکر را؛ و آن را تکذیب کردند. آن‌ها محدود بودن زمان حضورشان در دنیا را تکذیب کردند. خدا عاقبت ملت‌های قبل را به یادشان آورد، اما آن را تکذیب کردند. خدا یادشان آورد چگونه خلق شدند و چگونه در رحم مادرشان پرورش یافتند تا پا به دنیا گذاشتند و باز آن‌ها تکذیب کردند. خدا از زمین برایشان گفت از کوه‌ها، از آب گوارایی که می‌نوشند، و آنها باز تکذیب کردند. آنها فقط تکذیب کردند و تکذیب کردند و تکذیب کردند... قول خدا حتمی بود و اتفاقی که گفته بود، افتاد. ستاره با آن نور همیشگی‌اش از بین رفت. آسمان شکافته شد و ارتباط و اتصالش از بین رفت. کوه‌ها از جایشان کنده شدند آن چنانی که کاملاً از بین رفتند! نظم عمومی جهان به هم ریخت...

روز فصلی که خدا وعده داده بود فرا رسید و آدم‌ها از هم متمایز شدند. هر چند پیش از این هم، نوع نگاهشان به حقیقت و ذکر آن‌ها را از هم جدا کرده بود؛ رسولانی که قبل از این القای ذکر می‌کردند بر اعمال آدم‌ها شهادت دادند. آنها که القای ذکر را دروغ پنداشته بودند دهانشان بسته بود و توان سخن گفتن نداشتند! دیگر توان تکذیب نداشتند!

همه چیز نمایان شده بود. هر چند قبل از آن نیز خدا همه چیز را در قرآن و در همه عالم برایشان نمایان کرده بود، اما نمی‌دیدند. کاش می‌فهمیدند، کاش ایمان می‌آوردند و کاش تکذیب می‌کردند.

مدیر مسئول: فاطمه قنبریان

صاحب امتیاز: احمد رضا اخوت

هیأت تحریریه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت علیهم السلام (کاشفیون)

سر دبیر: نعیمة پورصالحی

... وَ نُصَرِّقِي لَكُمْ مُعَدَّةً حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ...

... و یاری ام برای شما آماده است، تا که اجازه دهد خدا شما را برای ظهور،

پس با شمایم نه با دشمنان شما...

زیارت اربعین

گفت‌و‌گو
هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت
دانشگاه تهران

به نام ســـلام

بازيارت اربعين

جایی دم جهنم، خازنیش ایستاده‌اند و از آدم‌های جهنمی می‌پرسند: مگر برای شما نذیر نیامده بود؟ (سوره مبارکه ملک، آیه ۸)

برداشت از این جمله بستگی دارد به نوع خواندن این جمله! عموما فکر می‌کنیم خرَنه ایستاده‌اند دم در جهنم و می‌خواهند با لحنی از خشونت و تهدید حال آدمی را بگیرند! اما این مطلب را می‌شود با لحن دیگری خواند. اصلا بیایید خودمان را بگذاریم جای همین خزانه‌دارهای جهنم! شما الان مسئول خزانه جهنم هستید! خب شما به هرحال جزو موجودات ذی شعور عالم هستید. انسان نیستید، اما خبر که دارید که این انسان‌هایی که همینطور وارد جهنم می شوند، در دنیا رسول داشته‌اند، نذیر برایشان آمده، چیزهایی را می‌دانستند، چیزهایی دائمأ بهشان تذکر داده‌شده، در زندگیشان رب و مالک و الهی حضور دائمی داشته و این بندگان حیران و سرگردان در کثرت عالم دنیا و اسباب رها نشده‌بودند و... با این اوصاف، فکر می‌کنید مگر کسی با

پیشخوان

ساختارشناسی انسان

DVD صوتی و تصویری شرحی بر ساختارشناسی انسان از کلاس آقای چیت‌چیان در حال آماده شدن است و در هفته‌های آینده در هر سه مرکز توزیع می‌شود.

هدفی برای گردان

گردان علی بن ابی‌طالب که ویژه گردان آقایان است چشم انداز وسیعی در نظر گرفته است. هرکدام از این اعضا در هر شغلی که هستند قرار است با نگاه مدیریتی در همان حوزه فعال شوند؛ مثلا افراد به جای این‌که به تدریس قرآن در دبستان فکر کنند به برنامه‌های یک مدیر قرآنی در دبستان، یا مدبر قرآنی در رسانه و... متمرکز می‌شوند.

آداب تعلیم‌و‌تعلّم

۳ منظور از علم نافع چیست؟

اگر چه تمامی علوم کمال‌بخش‌رو‌حند و زیبایی‌بخش نفس، اما در شرافت و تکمیل و وجوب تحصیل متفاوتند؛ زیرا علوم بر دو قسم اند :

الف) علوم دنیوی:
علومی که تنها برای دنیا سود می‌بخشند .مانند طب، هندسه، نجوم، عروض، موسیقی، حساب و... از این هاچندان بهجت و سعادتی برای انسان در عالم عقبی حاصل نمی شود و به همین دلیل تحصیل آن ها واجب نیست ؛البته گاهی اتفاق می افتد که در تحصیل برخی مسائل، بعضی از این علوم واجب کفایی می شوند.

ب) علوم اخروی:
ثمره اصلی آن کسب سعادت اخروی است و شامل موارد زیر است:

۱- علم الهی: که به وسیله آن، اصول عقاید دین و احوال مبدأ و معاد شناخته می شود. از امام صادق (علیه السلام) مروی است که فرمودند: «اگر مردم فضیلت شناخت خدا را بدانند، به متاع دنیا و نعمت‌های آن چشم نخواهند دوخت و دنیا در نزدشان کم‌تر خواهد بود از آن چه بر آن راه می‌روند که خاک باشد، و متنعم و متلذذ خواهند شد به معرفت خدا؛ مانند تلذذ کسی که همیشه در روزه‌های بهشت با اولیاء الله بوده باشد. به درستی که معرفت خدا در هر وحشتی مونس و در هر

شنبه
۳۰ آذر ۱۳۹۲
سال سوم

۱۸ صفر ۱۴۳۵
شماره

این امکانات جهنمی هم می‌شود؟! با یادآوری چیدمان حکیمانه، بر حق و بی‌نقص خدا و جریان هدایتی که خدا آنها را در معرض آن قرار داده بود، و مشاهده این جمعیت جهنمی، دچار حیرت نمی شوید؟ با خود نمی‌گویید همه چیز که برای هدایت مهیا بود، پس جهنم رفتن این جماعت برای چیست؟ زیارت اربعین را باز کردم، به نیت همین به نام سلام. گویی پاسخ «مگر نذیر برایتان نیامده بود؟» را اینجا تعبیه کرده اند:

«فَاعْذَرْ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النَّصْحَ وَ بَدَلَ مَهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسَتَنْفَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَائِلَةِ وَ حَيْرَةَ الضَّلَالَةِ» «او نیز در دعوت مردم جای عذر و بهانه‌ای (برای کسی) نگذارد و بی‌دریغ خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد تا برهاند بندگانت را از (گرداب) جهالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی»

راستی این هفتاد و دومین به نام سلام ماست! امید است در چهلمین روز از شهادت آقا و سرور جوانان اهل بهشت، هفتاد و دومین سلام ما باشد برای ایشان و هفتاد و دو تن یار باوفایشان. السلام على الحُسَيْنِ المظلوم الشَّهيد السَّلامُ على أُسَيرِ الكُرْبَاتِ و قَتيلِ العِبرَاتِ.

وبلاگ برای گردان

گردان حضرت مریم (علیها السلام) چند ماهی است که وبلاگی برای ارائه گزارش کلاس‌های گردان ترتیب داده‌اند. اگر خواستید به این وبلاگ سر بزنید به آدرس http://gordanhazratmaryam.blogfa.com مراجعه کنید.

زائران امام رضا (علیه السلام)

دانشجویان روانشناسی حوزه دانشجویی شهید بهشتی با همراهی آقای اخوت و دانشجویان علوم پزشکی (گردان حضرت فاطمه(علیها السلام)) با همراهی آقای رضازاده هفته پیش به اردوی مشهد رفتند. به امید روزی که خبر اردوی نویسندگان کاشف را در این قسمت چاپ کنیم!

تنهایی رفیق،و در هر ظلمتی نور و در هر ضعیفی قوت و شفای هر دردی است،»

۲- علم اخلاق: که توسط آن راه تحصیل سعادت و آن چه به واسطه آن، نفس نجات می‌یابد یا به هلاکت می‌رسد، فهمیده می‌شود.

۳- علم فقه: که به وسیله آن کیفیت عبادات و معاملات و حلال و حرام و آداب و احکام، درک می‌شود.

تحصیل این سه علم واجب و لازم است و نیز علومی که مقدمات کسب این‌ها هستند: علم لغت عربی، حدیث و تفسیر.

در یک تقسیم‌بندی دیگر علم و دانش به دو گونه‌اند:

۱- علمی که به قلب و درون انسان راه یافته (و روح انسان را سامان می‌دهد) چنین علمی می‌تواند نافع و سودمند باشد.

۲- علمی که بر سر زبان متوقف مانده (و به دل و درون انسان رسوخ نکرده) است. این گونه علم و دانش به صورت حجت و دلیل کوبنده خدا نسبت به افراد بشر در می‌آید. همان گونه که در روایت آمده: «همانا من نسبت به امت خود از مؤمن و مشرک بیم ندارم. زیرا ایمان مؤمن از او نگهدانی می‌کند و کفر مشرک، موجبات قلع و قمع او را فراهم می‌آورد. من از منافق و فرد دورو (سخت) بیمناکم که خوب حرف می‌زند و خوب می‌گوید ولی عملا زشت کردار است.».

گفت‌و‌گو
هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت
دانشگاه تهران

پرونده

یک اردو و چند هدف

گزارشی از فعالیت های کانون قرآن و عترت (علیه السلام) دانشگاه تهران

ماه گذشته تعدادی از دانشجویان دانشگاه تهران، از طرف کانون قرآن و عترت (علیه السلام) این دانشگاه به اردوی مشهد رفتند. این موضوع را بهانه‌ای قرار دادیم تا درباره اهداف اردو و حواشی آن و همچنین فعالیت‌های کانون، با سرکارخانم منزوی دبیر کانون قرآن و عترت (علیه السلام) صحبتی کوتاه داشته باشیم. ایشان دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه اسلامی در دانشگاه تهران و نیز از اعضای گردان کوثر مدرسه قرآن هستند.

• با سلام، خبردار شدیم که کانون قرآن و عترت (علیه السلام) دانشگاه تهران زیر نظر باشگاه دانشجویان این دانشگاه، دانشجویان را به اردو برده است.

این اردو چه ویژگی‌هایی داشت و هدفتان از آن چه بود؟

- سلام بر شما و خواندگانتان. در این اردو حدود ۷۰ نفر از دانشجویان جدیدالورود از دانشکده های مختلف دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد حضور داشتند. البته اکثر دانشجویان خوابگاهی بودند. هدفمان از این اردو بیشتر انس و آشنایی با تدبر در قرآن بود. در این اردو در مورد ضرورت تدبر در قرآن بحث شد و نیز سوره ای هم با این روش ارائه شد تا آشنایی بیشتری صورت گیرد. همچنین در یک جلسه دو ساعته به اضافه یک جلسه پرسش و پاسخ، درباره کلیات ساختار وجودی انسان بحث شد.

• به نظر شما چه ویژگی‌هایی اردو را از سایر قالب‌ها متمایز می‌کند؟

- اردو بستری را فراهم می‌کند تا طی چند روز با هم بودن بین دانشجویان انس و الفت برقرار شود. همچنین از نزدیک با دانشجویان فعال دانشگاه و مجموعه فعالیت‌های آن‌ها آشنا شوند. این آشنایی می‌تواند آمادگی حضور افراد را در فعالیت‌های بعد از اردو را فراهم کند. از بین دانشجویان، دانشجویان جدیدالورود را انتخاب کردیم تا زمینه آشنایی با فضای فعالیت‌های دانشگاه را برایشان فراهم کنیم. اردوهایی این چنینی با موضوع و محور مشخص، کمک خوبی به شناخت افراد از فعالیت‌های قرآنی و ترسیم افق آن‌ها می‌کند. اشاره می‌کنم که بعد از اردو در دانشکده روانشناسی کارگاه با موضوع «ساختار وجودی انسان» و کارگاهی دیگر با موضوع «تأثیر باورها در باز شدن گره‌ها و عقده‌ها بر اساس سوره مبارکه فلق» با حضور آقای رضازاده برگزار کردیم. همچنین گردهمایی خوابگاهی‌های اردو را در اتاق کانون قرآن و عترت (علیه السلام) خوابگاه چمران داشتیم.

• می‌توانید کمی از فعالیت‌هایی که تا الان در دانشگاه داشتید بفرمایید؟

- دراردیبهشت ۹۲ اردویی با هدف جذب نیرو و آشنایی بچه‌ها با این شیوه کار قرآنی داشتیم. در طول سال گذشته، کلاس های تدبر در قرآن در خوابگاه فاطمیه و چمران برگزار شد. هم‌چنین به مناسبت‌های مختلف برنامه‌های مناسبتی با محوریت سوره‌ای از قرآن با صرف صبحانه و ناهار و نیز کارگاه‌های موضوعی ساختار وجودی انسان، برنامه‌ریزی و... هم برگزار شده است. در حال حاضر در دانشکده‌های الهیات، علوم اجتماعی و روانشناسی هم کلاس‌هایی برقرار است.

• گویا شما تمرکز خاصی بر خوابگاه‌ها و فعالیت در آن دارید. علت

• فاطمه صادق قهرود

شنبه
۳۰ آذر ۱۳۹۲
سال سوم

۱۸ صفر ۱۴۳۵
شماره

اهمیت این موضوع چیست؟

- خوابگاه مکانی است که دانشجویانی از شهرهای مختلف و با فرهنگ و رسوم مختلف حضور دارند و هم اتاقی شدن آنها با یکدیگر این فرصت را فراهم می‌آورد که ویژگی‌هایی که لازمه کار اجرایی هستند از جمله انعطاف، خودکفایی و سازش در عین قاطعیت، در آنها شکل بگیرد. از طرفی پذیرش دانشجویان خوابگاه به دلیل متبلور شدن نیازشان و عدم اشباع‌شدگی کاذب غیرخوابگاهی‌ها بیشترست. از طرف دیگر در خوابگاه امکان دسترسی و گسترش فعالیت و نشر بیشتری وجود دارد. فکرش را بکنید اگر از هر شهر یک نفر روش تدبر در قرآن را یادبگیرد، می‌تواند پایگاهی بشود در شهر خودش برای فعالیت قرآنی. درواقع خوابگاه، پایگاه دسترسی به فعالیت در کل کشور است. به همین خاطر فعالیت در خوابگاه‌ها با وجود مشکلات زیاد، ظرفیت زیادی داراست. جالب است بدانید که مدل تبلیغات در خوابگاه هم متفاوت است. یعنی چیزی که بیشتر از پوستر و پیامک دانشجویان را به کلاس‌ها می‌آورد، رابطه دوستی بین آنهاست. شما از طریق ارتباط با خوابگاه می‌توانید بین تشکل‌ها و گروه‌های مختلف ارتباط برقرار کنید و فعالیت‌های مشترک تعریف کنید. درنتیجه زودتر از آن‌چه فکرش را می‌کنید به خروجی و تحقق اهدافتان می‌رسید.

• با برنامه های بلند مدت خود را برایمان بگویید؟

- درنظر داریم تا آخر سال ۹۳، از هر دانشکده پنج عضو فعال آموزش دیده داشته باشیم تا بتوانند فعالیت‌ها را در دانشکده‌ها و خوابگاه‌ها ادامه دهند و در هر دانشکده کلاس تدبر در قرآن برگزار شود.

• برای شما و دوستانتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

پشت‌پنجره

حدید که بشوی، مے شوی سلمان!

از ختم مفهومی دوشنبه‌ها-سوره مبارکه حدید

دیده‌ای وقتی می‌خواهند چیزی را شبیه قالبی درآورند، چه می‌کنند؟!

گاهی با تیشه آن‌قدر بر زوایدش می‌زنند تا آن‌گونه تراش بخورد که انگار نه شبیه نمونه که خودِ خودِ اصل است.

گاهی کار به تیشه ختم نمی‌شود. آتش و پتک می‌طلبد تا بسازد نمونه را؛ و آن شود که باید!

گاهی پتک هم علاج کار نیست؛ باید آتش چنان وجودش را مثل موم نرم کند که یک‌جا بریز در قالب و بشود خودِ خودِ نمونه! گاهی...

در این‌که به این دنیا آمده‌ایم که شکل بگیریم و شکلی از وجود شویم، شکی نیست؛ اما اینکه کدام روش، ما را می‌رساند به شکل وجودی که باید به آن برسیم، به خودمان بستگی دارد؛ به معرفت‌مان، به تصدیق‌مان، به اقبالمان، به عرصه و میدان عملمان، به همّ و غمان، به انسمان، به ...، و به حدود نگهداشتن‌هایمان. اگر خودمان حدود نگه داریم که زوایدی نمی‌ماند برای حد خوردن؛ می‌ماند؟!

اگر حد نگه داریم، قالب‌مان می‌شود اندازه قالب مستخلفین؛ آن‌وقت پا جای پای او می‌گذاریم، آن‌وقت می‌شویم خود حد، خود حدید، خودِ خودِ اصل: سلمانٌ منّا اهل‌البیت...!